۲۶

ملاک دوستی و دشمنی

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

وَ الَّذينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُم

محمد پیامبر خدا و همراهانش در برابر
دشمنان بی‌دین سرسخت‌اند و با خودشان مهربان (۲۹ فتح)

جوان بود که به تحصیل علوم دینی و حوزه‌های علمیه علاقه‌مند شد، با اینکه در خانواده او کسی سابقه تحصیلات دینی نداشت.

مدتی در جنوب لبنان، سپس در نجف و دو سال در ایران دروس حوزوی را ادامه داد. زمانی که جنوب لبنان اشغال شد، در جنبش امل که یادگار شهید چمران بود فعالیت می‌کرد، اما پس از مدتی به دنبال یک مجموعه می‌گشت که کارش مبارزه با دشمن اصلی، یعنی اسرائیل باشد.

تأسیس حزب الله به زمانی بر می‌گردد که فرماندهان سپاه به سوریه و لبنان رفتند. حاج همت و متوسلیان تأثیر زیادی بر جوانان شجاع لبنانی گذاشتند. حزب الله با کمترین امکانات، اما با روحیه بالای جوانان لبنانی تأسیس شد و او در کادر سازمانی حزب قرار گرفت.

خودش می‌گفت: شبی در شکاف دره‌ی جنتا برای دوره‌های آموزشی مخفی شده بودیم، مخالفین، برای دستگیری و شکست ما هر کاری می‌کردند، وضعیت بسیار سخت بود و تمامی ما پنجاه نفر، تنها دو کلاشینکف داشتیم! اولین بارقه امید ما چشمان مردی بود که در تاریکی دره می‌درخشید، آمد و مرا به سینه‌اش چسباند. او محمدابراهیم همت بود و این دیدار آغاز راهی بود که ما را از آن دره به جایی رساند که در جنگ سی و سه روزه تمام دشمنان خدا را انگشت به دهان گذاشتیم.

تمام اطرافیانش می‌گفتند که او به زودی پله‌های پیشرفت را در حزب طی خواهد کرد. پس از شهادت سید عباس موسوی که دبیرکل حزب بود، او را به عنوان دبیر کل انتخاب کردند.

سید حسن نصرالله، زمانی کار اجرایی را به دست گرفت که دشمن صهیونیست با حیله و نیرنگ دو گروه بزرگ شیعه یعنی جنبش امل و حزب‌الله را به جان هم انداخته بود. هر روز درگیری و هر روز تلفات! در برخی درگیری‌ها تعداد تلفات به بیش از دویست شهید می‌رسید!

مهمترین کار سید، با میانجی‌گری ایران و سوریه، تقسیم کار دو گروه بزرگ شیعه در جنوب لبنان بود.

هرچند برخی دوستانش مخالف بودند، اما فعالیت سیاسی و اجرایی حزب الله کمتر شد و تمرکز خود را بر مبارزه و نابودی دشمن اصلی، یعنی رژیم صهیونیستی قرار داد.

البته این درس را هم از قرآن آموخته بود. در مقابل دشمن شدید باشید و بین خودتان، رحیم و مهربان. حالا با تمرکز بیشتر نیروها را آموزش می‌دادند و برای مبارزه با دشمن اصلی آماده می‌شد.

آن‌ها تلفات بسیاری از دشمن گرفتند و توانستند در سال ۲۰۰۰ جنوب لبنان را آزاد کنند و قدرت ایمان رزمندگان را به رخ دشمن بکشند.

سیدحسن در نبرد تابستان ۲۰۰۶، معروف به جنگ ۳۳ روزه، ضعف دشمن را نشان داده و با یک عملیات موفق، از دشمن تلفات و اسیر گرفت و توانست در جریان مبادله، صدها اسیر خود را آزاد کند.

اما همه اذعان داشتند که سید مصداق این کلام نورانی قرآن است که می‌فرماید: در مقابل کفار شدید باشید و در میان خودتان مهربان.

او بر اساس این آیه رفتار نمود و تمام خشم و غضب انقلابی خود را در مقابل دشمن به کار گرفت و با مردم لبنان و فلسطین بسیار مهربان بود.

درست برعکس برخی سران خائن کشورهای اسلامی که با دشمن مهربان و با دوستان، دشمن بوده و هستند.

اما حمید داود آبادی که کتاب خاطرات سید حسن را نگارش کرده می‌نویسد: سال ۱۳۶۲ بود به لبنان رفتم؛ آن موقع سیدحسن نصرالله در

بعلبک حضور داشت و من جذب سید شدم. او ملاحت ویژه‌ای داشت و همان زمان بچه‌های حزب‌الله به او می‌گفتند؛ «خامنه‌ای کوچک». زمانی هم که با ایشان هم‌صحبت می‌شدیم حس می‌کردیم که واقعاً حضرت آقا دارند با ما صحبت می‌کنند.

اما امام خامنه‌ای، سیدحسن را ایران آوردند که در قم درس بخواند تا از اتفاقات داخلی لبنان دور باشند. سیدعباس موسوی دبیرکل حزب‌الله درخواست کرد سیدحسن به لبنان برگردد.

آقا مخالفت کردند و گفتند که ما با سید کار داریم. ایشان را برای آینده نیاز داریم و سید باید تا مرجعیت درس بخواند. اما با اصرار لبنانی‌ها، سیدحسن به لبنان برگشت. داوودآبادی ادامه داد: آقازاده در لبنان مفهوم خیلی بالاتری از ایران دارد. یعنی وقتی کسی آقازاده است، وضعیت بسیار خوبی دارد.

آقازاده بزرگ لبنان، سیدهادی نصرالله و جهاد مغنیه بودند. وقتی که سیدهادی می‌خواست عضو حزب‌الله شود، نزد پدر آمد و او سه شرط برای فرزندش گذاشت. اول اینکه هیچ کس نباید تو را بشناسد و باید اسم مستعار انتخاب کنی. بعدها که شهید شد، اسرائیل گفت اگر ما می‌دانستیم که این پسر نصرالله است، حتماً او را زنده می‌گرفتیم تا بتوانیم امتیاز بزرگی از حزب‌الله بگیریم.

دوم؛ حق گرفتن هیچ مسئولیتی را نداری، چون پسر من هستی و سوم اینکه فقط برای جنگ بروی نه اینکه در قرارگاه بنشینی.

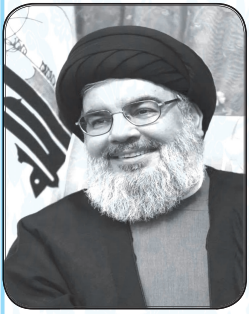

نام: سیدحسن
نام خانوادگی: نصرالله
تاریخ تولد: ۱۳۳۹
تاریخ شهادت: ۱۴۰۳
مکان شهادت: ضاحیه بیروت
مزار: بیروت
برای آشنایی بیشتر: کتاب سید عزیز